

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary Cultural

ادب - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر - اسن - المان  
۱۸ سپتمبر ۲۰۰۸

## دست امید

به باغِ خاطره ام ، ناگهان گلی روید  
جهانِ عشق به رویم چو غنچه ها خندید  
خزانِ عمرِ مرا ، ناگهان بهاران کرد  
نویدِ زندگی و زنده ماندنم بخشید  
جهان ، جهانِ دگر ، روز ، روزگارِ دگر  
تنِ علیلِ مرا ، روحِ جاودانه دمید  
زالالِ کوثرِ عشق ، از کفِ الهه شعر  
خمارش از ازلیم ، تا ابد ز سر نپیرید  
کمانِ قامتِ خم گشته ام ، شدی چون سرو  
نسیمِ صبحِ وصالش ، چه شاعرانه وزید  
جهان معطر و عالم همه معنبر شد  
به کامِ تشنه هجران ، شرابِ وصل چکید  
حدیث و آیه وحدت ، ز هر طرف نازل  
صراط و جنت و دوزخ ، ز رخ حجاب درید  
دگر نه بیمِ جهنم ، نه شوقِ حور و بهشت  
چرا که دستِ امیدم ، به زلفِ یار رسید  
ولی دریغ که میراثِ جهل و کینه و بغض  
چه ظالمانه ز ما برگ و بار و ریشه بُرید  
بسانِ گرگ و پلنگ و شغال و چون گفتار  
مکیده خونِ دل و ، پاره کرده سینه جوید  
گهی به جور و جفا و ، گهی به ظلم و ستم

گهی چو زنگی و گاهی چو کبچه مار گزید  
چه ضرب نیش و چه تند زبان و تلخ سخن  
ز جام و ساغر بیداد این زمانه چشید  
دلم به شوری دست و ، به بخت بد سوزد  
نکشته دانه ، ثمر مفت و رایگان سوزید  
به چشم و گوش و زبان نیست کار ما «نعمت»  
که دید و گفت و شنید و ، به هر که دل بازید